

Art of the New Age  
آینگونه در نیویورک



دوره جدید / شماره دوم  
دی ماه ۱۳۸۱



**دایره بسته**

کارگردان: منیژه محامدی، نویسنده: ایش ماریا مارکا به روایت پیتر استون، مترجم: نگین کرمانشاهی، دستیاران: محمد اسکندری، ارشام مؤدیان، طراح صحنه: آیت نجفی، طراح چهره‌پردازی: یوحنا حکیمی، طراح پوستر و بروشور: یاسمین خلیلی.

بازیگران: مهوش افشارپناه، شهره سلطانی، محمد شیرینی، محمد اسکندری، ناصر کرم‌پور، کیومرث قبادی، فرهاد اصلانی، رضا مختاری، محمود لاجینی، شهروز شمس، کامران تفتی.

محل اجرا: تالار قشقایی (مجموعه تئاتر شهر).

در ساعات اوج جنگ جهانی دوم، زمانی که ارتش شوروی در حال وارد شدن به برلین است، آپارتمان زنی در میان ویرانه‌های جنگ تبدیل به نمادی از جهان می‌شود.



**نوزاد**

نویسنده و کارگردان: سیروس ابراهیم‌زاده.

بازیگران: فریرز عرب‌نیا، سولماز غنی.

محل اجرا: فرهنگسرای نیاوران.



مصطفی لیاق‌زاده



### بیتوس بیچاره

کارگردان: حمید مظفری، نویسنده:

ژان آنوی، مترجمان: یدالله

آقاعباسی، داوود زینلو، دستیار

کارگردان: علی صلاحی، طراح

صحنه و لباس: خسرو خورشیدی،

طراح چهره‌پردازی: افسانه قلی‌زاده،

طراح پوستر و بروشور: حمیدرضا

وصاف.

بازیگران: اصغر همت، کاظم

هژیر آزاد، مصطفی عبدالهی، الهام

پاوه‌نژاد، محمدرضا جوزی، محمود

فتح‌الهی، افشین کتانچی، نعیم

جلیلی، الهه گلپری، جواد اعرابی،

اشکان صادقی، سالومه شاهرخی،

وحید نفر، مهدی حسینی.

محل اجرا: سالن اصلی تئاتر شهر.  
گروهی از وابستگان طبقه  
بورژوازی فرانسه، تصمیم می‌گیرند  
یکی از دوستان دوران مدرسه خود  
را که شخصی فقیر و تهیدست بوده  
و حالا یکی از مسئولان مهم دستگاه  
قضایی شده، در یک بازی نمایشی و  
در نقش‌های تاریخی و شخصیت‌های  
انقلاب فرانسه به سخره گیرند.  
شخص مورد نظر در این بازی،  
داوطلب ایفای نقش روسپی  
می‌شود و...



# درسنامه جامع سایکو دراما (روان تماشا)



دکتر مهدی پوررضائیان  
روانشناس بالینی  
سایکودراماتیس



دکتر جاکوب

لوی مورنو (۱۹۵۳)،  
سایکودراما (یا به ترجمه

این قلم، روان تماشا) را به صورت  
زیر تعریف کرده است: «دانشی که راستی و حقیقت را با  
شسیوه‌ها و روشهای نمایشی تشریح می‌کند. این دانش با  
روابط بین فردی و دنیای خصوصی افراد سر و کار دارد.»  
زرکا مورنو (بیوه دکتر مورنو و رئیس کنونی مؤسسه  
مرکزی سایکودراما در آمریکا)، سایکودراما را فراگرد  
و جریانی می‌داند که در آن هر کسی می‌تواند واقعیت  
زندگی را مورد واریسی و امتحان قرار بدهد و بدون  
تسرس از تنبیه یا مؤاخذه شدن از خطراتی که در این  
جریان است استقبال کند (۱۹۹۲). ماریسا کارپ (۱۹۹۲)  
هم سایکودراما را به عنوان راه و شیوه‌ای برای تجربه  
کردن زندگی می‌شناسد. تجربه‌ای که در آن هیچ‌کس به  
خاطر اشتباهات احتمالی تنبیه یا مجازات نمی‌شود.  
کوتاه‌ترین تعریف از سایکودراما را شاید پاول هولمز

اشاره:  
از سال ۱۳۷۵ که رساله دکترایم را  
در زمینه سایکودراما به دپارتمان روانشناسی  
دانشگاه دهلی (هندوستان) تحویل دادم و به

ایران بازگشتم، بارها و بارها از سوی دانشجویان  
عزیز رشته‌های روانشناسی بالینی و نمایش مورد سؤال واقع شده‌ام که  
«سایکودراما چیست؟» دوستان اندیشمند، روشنفکر و هنرمندم (از جمله  
دکتر قیصر امین‌پور، سیدمهدی شجاعی، دکتر بهمن نجاریان، دکتر  
عبدالعظیم کریمی، دکتر ناظرزاده کرمانی، دکتر کوبال و...) نیز همواره  
مرا تشجیع و ترغیب کرده‌اند که درسنامه کامل و روشنی برای معرفی  
علمی سایکودراما بنویسم. آنچه تاکنون مرا از این کار بازمی‌داشت عدم  
اطمینان از این بود که چنین مبحثی واقعا خواننده و خریداری داشته  
باشد. قرار گرفتن اخیرم در رأس یک مرکز تئاتر و نمایش و به دست  
آمدن فرصتهای متعدد رویارویی با دانشجویان، علاقه‌مندان و اساتید  
تئاتری مخصوصاً در جشنواره‌ها و همایشهای کوچک و بزرگ کم‌کم  
متقاعدم کرد که این رشته از روان‌درمانی که به دلیل برخوردراری از  
یک ساختار تئاتری، هم در محیطهای روانشناسانه و هم در محیطهای  
نمایشی مورد توجه و گاه بسیار محبوب است. شایستگی آن را دارد که  
از نگارش یک درسنامه جامع بهره‌مند شود. امیدوارم این درسنامه، قدم  
کوچک ولی مهمی برای تأسیس انجمنها، مؤسسه‌ها و بالاخره دپارتمانهای  
سایکودراما در شهرهای دانشگاهی کشور تلقی بشود. این درسنامه برای  
چاپ در دوازده شماره از ماهنامه صحنه تهیه و در نظر گرفته شده است.



نمایشی است. در جایی دکتر مورنو گفته است: از دیرباز، همواره مذاهب از علوم و علم از مذاهب دوری می‌جسته‌اند. حال آن‌که راه درست، تلفیق و همراهی این دو با یکدیگر است. در این راه درست، به احترام تمامت انسان، هیچ جزیی یا عنصری نادیده نمی‌ماند (۱۹۵۳). هر جلسه سایکودراما دارای سه بخش یا مرحله اصلی است:

۱- مرحله آماده‌سازی.

۲- اجرای نمایش.

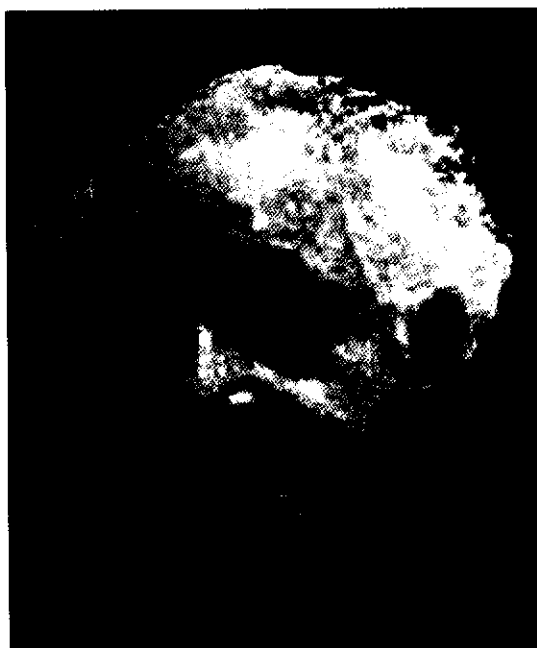
۳- مشارکت.

مارسیا کراپ در کتاب «کتاب جیبی سایکودراما» (۱۹۹۸) از عنصر چهارمی به نام پردازش نیز یاد کرده است. شرح این مراحل در ادامه خواهد آمد.

#### معرفی دکتر مورنو (پدر سایکودراما)

ج. ال. مورنو در هجدهم ماه می سال ۱۸۸۹ در شهر بخارست کشور رومانی متولد شد. آدام بلاتر (۱۹۸۸) تأکید می‌کند که بسیاری از افراد حتی خود مورنو، سال تولد وی را به غلط ۱۸۹۲ می‌نویسند و این غلط احتمالاً ناشی از خطای مورنو در زندگینامه‌نویسی خودش است. مورنو در میان شش فرزند خانواده، بزرگترین بود. مادرش، پالینا یانسکو که در ۱۴ سالگی ازدواج کرده بود، او را در ۱۵ سالگی به دنیا آورد. پدرش مورنولوی یک فروشنده دوره‌گرد بود و وقت کمی برای زندگی با خانواده‌اش داشت. دایم در سفر و تمام توجهش معطوف به خود و شغلش بود. مورنوی کوچک کاملاً تحت تأثیر و نفوذ مادرش بود و پدر در زندگی او نقش چندانی ایفا نمی‌کرد. وقتی دوازده ماهه

(۱۹۹۲) داده باشد: روشی در روان‌درمانی با یک شکل نمایشی. در جلسات سایکودراما، اعضای گروه گرداگرد یک میز نمی‌نشینند تا درباره زندگی و مسائل آن گفتگو کنند و گپ بزنند. برعکس، آنها از پشت میزها برمی‌خیزند و زندگی را برمی‌دارند و او را با خود به صحنه می‌برند. روی صحنه، مانند اعضای یک تیم نمایش، زندگی را اجرا و بازی می‌کنند. سایکودراما، روشی جذاب، ارزشمند و نشاط‌آور است. خلاقیت و خودانگیزگی‌های افراد در گروه روان‌تماشای سبب می‌شود تا بسیار سریع‌تر از آنچه تصور می‌شود برای مسائل و مشکلات اعضا راه‌حل‌های مناسبی پیدا شود. رهبر گروه روان‌تماشا، در سایکودراما کارگردان نامیده می‌شود. علت این است که به هر حال این روش درمانی، یک ریخت نمایشی و تئاتری دارد. به قول پاول هالمز در کتاب دنیای درونی خود، سایکودراما، صورت تئاتری روان‌درمانگری است و در آن از بعضی اصول، قواعد و زبان تئاتر استفاده می‌شود. اتاق یا سالن سایکودراما، محلی بی‌زرق و برق است با صحنه‌ای که اغلب قابلیت نورپردازی بسیار بالایی دارد. این قابلیت بازی با نور، به گروه و مخصوصاً کارگردان کمک می‌کند تا بتوانند علاوه بر صحنه‌های معمولی زندگی، کابوسها، رویاها و دیگر صحنه‌های خاص و گاه عجیب، مهجور یا نادیده زندگی را نیز رنگ‌آمیزی و بازی کنند. در سالنهای سایکودراما خبری از صندلیهای کاشته‌شده مرتب نیست. همه به‌سادگی، هر جا که راحتند می‌نشینند. آکسسوار، دکوریا و وسایل صحنه محدود به اشیای بسیار ساده‌ای مثل پتو، بالش، جعبه و نظایر اینهاست. اشیایی که بتوان در دست گرفت و با خود جابجا کرد. اعضای گروه گاه بازیگرند، گاه تماشاگر. هیچ‌کس نمی‌آید تا هنرپیشه باشد. همه می‌آیند تا خلاص شوند و به پالایش برسند. هر نمایشی که در گروه اجرا می‌شود پنجره‌ای است برای تماشای بخشی از زندگی یکی از اعضای گروه. همه صحنه‌ها و واقعه‌ها در زمان حال انگاشته و خلق می‌شود، حتی اگر ماجرای آنها به گذشته یا آینده مربوط باشد. بازیگر اصلی در هر واقعه نمایشی با استفاده از تکنیک‌هایی که از هنر بازیگری می‌داند و نیز به کمک کارگردان و اعضای دیگر گروه، لایه‌های آشکار و نامرئی زندگی خود را پیش چشمان گروه می‌گذارد تا آنها بتوانند از منظر و نگاه، زندگی او را تماشا کنند. بازنمایی شخصی حقیقت توسط پروتاگونیست در بسیاری از موارد باعث هشدار، آموزش یا عبرت تماشاگران می‌شود. شاید به همین دلیل، دکتر مورنو، سایکودراما را «علم تشریح حقیقت» نامیده است. علمی که متکی بر شیوه‌های



دستگاهی اختراع کند که گفته‌های بیماران را با آن ضبط و مجدداً پخش کند. این دستگاه به او در درک و تجزیه و تحلیل مسایل بیماران، کمکهای فراوانی می‌کرد. بین همکاران به «مخترع» معروف شده بود چرا که چنین دستگاهی را پیش از او هیچکس اختراع نکرده بود. در سال ۱۹۲۵ یکی از شرکتهای بزرگ آمریکا که از اختراع او باخبر شده بود، دعوتنامه‌ای برای او ارسال کرد و همین باعث شد تا او در همان سال اتریش را به مقصد نیویورک ترک کند. در سال ۱۹۳۶ موفق شد محل ویژه‌ای را برای تجربیات سایکودرامایی تأسیس کند. این کلینیک، یک بیمارستان روانپزشکی خصوصی در شمال شهر نیویورک بود و به مورنو و علاقه‌مندان او امکان می‌داد تا به‌طور جدی به تحقیق و درمان بیماران روانی بپردازند. جالب‌ترین صحنه‌های زندگی مورنو که مطالعه و مشاهده آنها به ما در فهم بهتر شیوه او کمک می‌کنند، عبارتند از:

#### ۱- صحنه ملاقات او با زیگموند فروید (پدر روانکاوی)

وقتی که پروفیسور فروید (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹) ۵۶ ساله و مورنو بیست و چندساله بود ملاقات کوتاهی بین آن دو صورت گرفت. فروید هیچگاه به این ملاقات اشاره‌ای نکرد ولی مورنو بارها از آن یاد کرد. در این ملاقات، فروید که از فعالیتهای ابداعی مورنوی جوان مطالبی را شنیده بود با لحنی آمیخته با تحقیر از او پرسید: چه می‌کنی؟ و مورنوی جوان با اعتمادبه‌نفسی بالا پاسخ داد: دکتر، من وقتی شروع می‌کنم که شما تمام کرده باشید، شما مردم را

بود به‌شدت بیمار شد و پزشکان تقریباً او را جواب کردند. یک پیرزن کولی به پالینای گریان گفت که تنها راه درمان مورنوی خردسال آن است که او را به پشت، روی شنها بخواباند. شنهایی که زیر آفتاب گرم شده باشند. آن زن کولی یک چیز دیگر هم گفت. او از آینده خیر داد و گفت که در آینده این طفل به بزرگمردی تبدیل می‌شود که همه از هر جای جهان به دیدار او می‌شتابند. مادر جوان، این پیشگویی را از ته دل باور کرد و می‌شود گفت که با همین باور طفلش را بزرگ کرد. بعدها این اعتقاد از مادر به کودک منتقل شد. این عامل و عامل دیگری به عنوان غیبت مداوم پدر، مورنوی نوجوان را به تدریج به باور غریب دیگری سوق داد: «هرکس باید پدر خودش باشد.» مورنو در اولین روزهای مهاجرت به آمریکا در سال ۱۹۲۵، نام پدری خود را عوض کرد تا عملاً زندگی تازه و مستقلی را در جایی غیر از زادگاه - با هویتی نو - آغاز کند. او سالها بعد نوشت: «هیچکس نمی‌تواند نقش پدر را برای آدمی بسازی کند.» مورنو در سال ۱۹۱۷ در شهر وین تحصیلاتش را در رشته پزشکی به پایان رساند. چهار سال بعد (۱۹۲۱) ضمن تحصیل در رشته روانپزشکی، یک روش نو در تئاتر با نام تئاتر خودانگیخته را به جامعه معرفی کرد. روشی که می‌توان آن را مقدمه و رود به سایکودراما دانست. مورنو خود همین سال را سال تولد سایکودراما می‌دانست. در سالهای آخر تحصیل در رشته روانپزشکی وقتی که یک روانپزشک جوان تلقی می‌شد، موفق شد

